



Analyzing the Conditions of Moral Damages of Legal Entities in the Laws of Iran and England

Esmat Mokhlesabadi Farahani¹, Mehdi Mirdadashi Kari^{2*}, Ebrahim Delshad Maaref³

1. Ph.D Student of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor of Department of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

3. Assistant Professor of Department of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 261-278

Article history:

Received: 14 May 2023

۴۱۰ Edition: 1 Jul 2023

Accepted: 3 Sep 2023

Published online: 11 Sep 2023

Keywords:

Legal entities, moral damage, moral damage rule, judgmental procedure.

Corresponding Author:

Mehdi Mirdadashi Kari

Address:

Iran, Qom, Islamic Azad University, Qom Branch, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0002-5439-3933

Tel:

09127580749

Email:

SM.Mirdadashi1351@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: In this article, the conditions of moral damages in the case of legal entities have been carefully considered. Perhaps the conditions for claiming moral damage can be considered the same as the conditions for compensation for material damage, but the criteria and rules for distinguishing the two are completely different.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: Currently, in almost all the legal systems of the world, the fault of the injured party does not remove the responsibility of the cause of damage and does not cause the complete exclusion of the injured party from receiving damages, but it causes the reduction of the responsibility of the cause of damage, depending on the case.

Conclusion: In the legal systems of Iran and England, the possibility of claiming moral damages from legal entities has been recognized. Therefore, in the field of moral damages, it should be acknowledged that in the past, in the Roman law and the old common law system, and accordingly in England, which is influenced by the common law, The fault of the victim or his involvement in the loss caused him to be disqualified from claiming damages.

Cite this article as:

Mokhlesabadi Farahani A, Mirdadashi Kari M, Delshad Maaref E. Analyzing the conditions of moral damages of legal entities in the laws of Iran and England.

Economic Jurisprudence Studies. 2023.



واکاوی شرایط خسارت معنوی اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلیس

عصمت مخلص آبادی فراهانی^۱، مهدی میرداداشی کاری^{۲*} ابراهیم دلشاد معارف^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در این مقاله شرایط خسارت معنوی در مورد اشخاص حقوقی مورد دقت نظر قرار گرفته است. شاید بتوان شرایط قابل مطالبه بودن خسارت معنوی را همان شرایط جبران خسارت مادی در نظر گرفت، اما معیار و ضابطه تشخیص این دو کاملاً متفاوت است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتاب‌ها و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در حال حاضر، تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی جهان، تقصیر زیان‌دیده رافع مسئولیت عامل زیان نیست و موجب محرومیت کامل زیان‌دیده از دریافت خسارت نمی‌شود؛ بلکه بر حسب مورد، موجب کاهش مسئولیت عامل زیان می‌شود. **نتیجه‌گیری:** در نظام حقوقی ایران و انگلیس هر دو امکان مطالبه خسارت معنوی از سوی اشخاص حقوقی به رسمیت شناخته شده است. بنابراین در حوزه جبران خسارت معنوی باید اذعان کرد در گذشته در حقوق رم و نظام قدیم کامن‌لا و به تبع آن در انگلیس که متأثر از حقوق کامن‌لا است، تقصیر زیان‌دیده یا دخالت او در ورود زیان، موجب محرومیت او از مطالبه خسارت می‌شد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۶۱-۲۷۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

واژگان کلیدی:

اشخاص حقوقی، خسارت معنوی، ضابطه خسارت معنوی، رویه قضایی.

نویسنده مسئول:

مهدی میرداداشی کاری

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

0000-0002-5439-3933

تلفن:

۰۹۱۲۷۵۸۰۷۴۹

پست الکترونیک:

SM.Mirdadashi1351@iau.ac.ir

۱. مقدمه

قوانین مدنی از جمله قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹) که مناسب‌ترین مکان جهت طرح خسارات مادی و معنوی است، با شرح کلیاتی، خسارت معنوی را مطرح کرده است. در ماده یک این قانون آمده است: «هر کس... به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شرف تجارتي یا هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگر شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». با توجه به صورت عام این ماده می‌توان آثار آن را در این ماده همانند ق. اساسی که خسارت معنوی در عرض خسارت مادی تلقی شده است و خسارت دارای دو جنبه مادی و معنوی است، عامل را فارغ از نوع خسارت به صراحت مسئول جبران خسارت وارده دانسته است و در مواد ۲، ۸ و ۹۱ همین قانون باز هم خسارت معنوی مورد توجه و حکم قرار گرفته است که همین امر اهمیت خسارت معنوی را نمایان می‌کند.

شاید بتوان گفت به دلیل عینی نبودن خسارت معنوی و نداشتن صورت خارجی توجه کمتری از ناحیه عموم و خاص‌تر از ناحیه قانون متوجه این نوع خسارت است که از همین حیث شایسته بررسی دقیق است. در مواد ۲ و ۱ و ۹۱ زیان معنوی با صراحت مطرح ولی در ماده ۸ قانون مزبور از خسارت معنوی به زیان وارد بر حیثیت و اعتبارات و موقعیت (شخصی یا خانوادگی) تعبیر شده است. به‌رحال در موارد چهارگانه مذکور، خسارت معنوی موجب مسئولیت متمایز از خسارت مادی شده است که همین امر را می‌توان نمایانگر چهره دوگانه

خسارت، اعم از معنوی و مادی دانست و در نتیجه مستلزم جبران. در ماده ۳۱ قانون مطبوعات سال ۱۳۳۹ نیز، مسئله خسارات مادی و معنوی به‌طور تلویحی مطرح شده است که البته روند تصویب ماده مزبور، دلالت بر نظر مثبت قوه مقننه بر ضرورت توجه خاص به خسارات معنوی دارد. در نظام حقوقی انگلیس، دعاوی مربوط به لطمه به احساسات و رنج روحی ناشی از ترس و اضطراب و تحقیر، از دست دادن توانایی سازش با شرایط زندگی و تجاوز به شخصیت و حقوق مربوط به شخص، مورد پذیرش قرار گرفته است که این موضوع همان جایگاه خسارت معنوی در حقوق کشور انگلستان است. به‌طور مشخص از قرن ۱۹، جبران این‌گونه خسارت‌ها در ابعاد مختلف از جمله صدمات جسمی و درد و رنج بدنی پیش‌بینی شده است و رأی دادگاه استیناف در سال ۱۹۸۰ و مجلس اعیان در سال ۱۹۸۶، مبنای جبران خسارت معنوی در صدمات روحی و از دست دادن تعادل فیزیکی محسوب می‌شود. در پژوهش حاضر، در مقام پاسخ به این سؤال هستیم که شرایط معنوی اشخاص حقوقی ایران و انگلیس چگونه است.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به‌صورت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به-صورت کتاب‌خانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتاب‌ها و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در حال حاضر، تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی جهان، تقصیر زیان‌دیده رافع مسئولیت عامل زیان نیست و موجب محرومیت کامل زیان‌دیده از دریافت خسارت نمی‌شود؛ بلکه بر حسب مورد، موجب کاهش مسئولیت عامل زیان می‌شود. در نظام حقوقی ایران و انگلیس هر دو امکان مطالبه خسارت معنوی از سوی اشخاص حقوقی به رسمیت شناخته شده است. بنابراین در حوزه جبران خسارت معنوی، باید اذعان کرد در گذشته در حقوق روم و نظام قدیم کامن‌لا و به تبع آن در انگلیس، که متأثر از حقوق کامن‌لا می‌باشد، تقصیر زیان‌دیده یا دخالت او در ورود زیان، موجب محرومیت او از مطالبه خسارت می‌شد.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۵. شرایط ضرر قابل جبران در خسارت معنوی

این شرایط شامل مواردی است که در ادامه بیان می‌شود.

۱-۵. خسارت قطعی و مسلم

ضرر باید مسلم و قطعی باشد؛ اگر ضرر احتمالی یا امکانی باشد، قابل مطالبه نیست. بنابراین یکی از شرایط ضرر قابل جبران این است که ضرر مذکور، مسلم و قطعی باشد. مراد از مسلم بودن ضرر این نیست که ضرر قطعاً وجود داشته باشد و هم‌زمان، هنگام وقوع فعل زیان‌بار در عالم خارج محقق شود؛ بلکه مراد این است که عرف عقلا در تحقق ضرر، ولو در آینده، شک و شبهه‌ای نداشته باشند و تحقق ضرر را مشکوک و احتمالی یا موهوم ارزیابی نکنند. بنابراین، مراد از مسلم بودن این است که زیان مورد ادعای خواهان موهوم یا مردد نباشد (فضل علی، ۱۳۸۳، ۱۴۰-۱۰۵).

۱-۲. خسارت مستقیم

از طرفی ضرر وارده باید به‌طور مستقیم باشد. هرگاه بین فعل زیان‌بار و ضرر، حادثه‌ای دیگر واقع شود، این ضرر مستقیم نیست؛ چون احتمال دارد ضرر به‌واسطه حادثه‌ای دیگر باشد که قبل از فعل زیان‌بار بوده است؛ پس این ضرر قابل مطالبه نیست. بنابراین درباره لزوم این شرط نیز قانون مسئولیت مدنی حکمی ندارد. با وجود این، طبق ماده ۸۲۸ در هر حال، ضرر ممکن است مربوط به معامله و قرارداد باشد (مانند عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام آن)، یا در نتیجه اعمال دیگری غیر از معامله و قرارداد، همچون اتلاف، تسبیب، غصب، استیفاء، و... (فضل علی، ۱۳۸۳، ۱۴۰-۱۰۵).

این شرط بیشتر مربوط به احراز رابطه علیت بین فعل شخص و ضرر است تا به شرایط زیان قابل

مالک تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از یکی از غاصبین بگیرد، حق رجوع به قدر مأخوذ به غاصبین دیگر ندارد» (آقای نیا، ۱۳۹۱، ۹۱۹).

با اینکه درباره اصل یادشده هیچ تردیدی وجود ندارد، ولی اجرای آن همیشه ساده نیست و گاه درباره طبیعت پولی که زیان دیده گرفته است و چگونگی رابطه حقوقی او با یکی از مسئولان، اختلاف می‌شود و به درستی نمی‌توان فهمید که ضرر او به وسیله‌ای جبران شده یا هنوز باقی است.

به نظر می‌رسد با توجه به انفکاک شخصیت شخص حقوقی نسبت به اعضا، ضررهای وارده به شخص حقوقی با توجه به حقوق و تکالیف مستقل و مجزا در شخص حقوقی، ارتباطی به ضررهای وارده به اعضا ندارد و جبران خسارت ضررهای وارده در حق شخص حقوقی باعث ابرای ذمه ضرررسان است. می‌توان گفت حتی جبران نشدن خسارت و ضررهای وارده به شخص حقوقی نیز جواز مطالبه خسارت از ناحیه اعضا به‌عنوان شخص حقیقی نیست. برای مثال اگر بر اثر ضرر وارده به اعتبار یک شرکت، ارزش سهام شرکت دچار افت شود مطالبه ضرر از ناحیه سهام‌داران شرکت محل تردید است.

۵-۱-۴. ضرر باید قابل پیش‌بینی باشد.

در مسئولیت‌های قراردادی این قاعده پذیرفته شده است که عهده‌شکن، تنها مسئول خساراتی است که برای او قابل پیش‌بینی یا دست‌کم در دید عرف مورد انتظار باشد. زیان نامتعارف و دور از انتظار را نمی‌توان از کسی که در اجرای تعهد خود کاهلی کرده است مطالبه کرد. به بیان دیگر، زیان‌های دور

مطالبه. در این جا کافی است در توضیح مطلب یادآور شویم که منظور از ضرر مستقیم، این نیست که هیچ علت دیگری در ورود ضرر دخالت نداشته باشد. امور اجتماعی چنان به هم ارتباط دارد که به دشواری می‌توان زبانی را که به‌بار آمده است، تنها به یک دلیل منسوب کرد. بنابراین، کافی است که بین فعل شخص، و زیان واردشده، رابطه سببیت عرفی احراز شود. هرچند در فاصله میان فعل و ضرر عوامل دیگری نیز زمینه‌آزار را فراهم کند. قانون مدنی نیز به این حقیقت توجه داشته است؛ زیرا با اینکه در اجتماع مباشر و مسبب، همیشه مباشر نزدیک‌ترین سبب است، در فرضی که سبب قوی‌تر است، مسبب (علت دورتر) را مسئول می‌شمارد (آقای نیا، ۱۳۹۱، ۹۱۹).

۵-۱-۳. عدم جبران خسارت

ضرری قابل مطالبه است که سابقاً جبران نشده باشد؛ چون در برابر قانون، هر ضرری که وارد می‌شود، فقط یک‌بار قابلیت جبران را دارد. بنابراین در هر مورد که به وسیله‌ای از زیان دیده جبران خسارت می‌شود، ضرر از بین می‌رود و دوباره نمی‌توان آن را مطالبه کرد. در تأیید همین اصل است که گفته می‌شود، زیان دیده نمی‌تواند دو یا چند وسیله جبران ضرر را با هم جمع کند. بنابراین، در موردی که چند تن خسارتی را وارد کرده‌اند یا قانون‌گذار چند نفر را به طور تضامنی مسئول جبران خسارتی می‌داند، گرفتن خسارت از یکی، دیگران را بری می‌کند و در هیچ حالتی زیان دیده حق ندارد ضرری را دوباره بگیرد؛ چنان‌که قانون مدنی، پس از بیان مسئولیت تضامنی غاصبان، در ماده ۳۱۹ مقرر می‌دارد: «اگر

در این قسمت خسارت معنوی اشخاص حقوقی در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس بررسی می‌شود.

۵-۲-۱. خسارت معنوی اشخاص حقوقی

عمومی در حقوق ایران

ضرر معنوی ممکن است به صورت‌های مختلف ظاهر شود. گاهی به صورت لطمه به حقوق مربوط به شخصیت؛ همچون ضرری که بر شرف، اعتبار و آبروی شخص وارد می‌آید؛ نظیر قذف، سب، تهمت و افترا. گاهی به صورت درد جسمی که زیان‌دیده از حادثه‌ای دچار آن می‌شود و یا به صورت اختلال روانی حاصل از حادثه‌ای به دلیل اینکه چهره زیان‌دیده کریه شده است، ظاهر می‌شود. یا بر اثر جریحه‌دار شدن احساسات و عواطف مثل غم و اندوه وارده به شخصی که نزدیکان خود را در نتیجه تصادف از دست داده است، نمودار می‌شود. بنابراین می‌توان گفت خسارت معنوی بر دو قسم است: نخست زیان‌های وارد به حیثیت و شهرت و به‌طور خلاصه آنچه در زبان عرف سرمایه یا دارایی معنوی شخص است. دوم، لطمه به عواطف و ایجاد تألم و تأثر روحی که شخص با از دست دادن عزیزان خود و ملاحظه درد و رنج آنان می‌بیند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۳، ۹۳۸).

با توجه به اینکه یکی از ادله ارائه‌شده قاعده لاضرر است، از آنجا که قاعده لاضرر به نهی یا نفی ضرر به صورت کلی توجه دارد، نه نفی یا نهی ضرری خاص، این قاعده خسارات معنوی را نیز در بر می‌گیرد. زیرا از نظر عقلی ممکن نیست خسارت مادی وارده به انسان، مورد توجه شارع قرار گرفته باشد و به‌وسیله لاضرر ولی خسارت معنوی که قطعاً

از انتظار و پیش‌بینی دو طرف که به اسباب نامتعارف و ویژه دعوی بستگی دارد، در قلمرو مسئولیت قراردادی نیست (قاسمی، ۱۳۹۸، ۹۳۲).

در مسئولیت‌های قهری نیز، به‌ویژه در مورد زیان‌های آینده، مانند از دست دادن امکان و بخت دستیابی به منفعت یا دفع ضرر و خسارات ناشی از صدمه‌های بدنی که در آینده ظاهر می‌شود، پیش‌بینی ضرر، نقش اساسی دارد و معیار احراز وقوع آن است و خسارت‌های نامتعارف و دور از انتظار را نباید در محاسبه ارزیابی خسارت در نظر گرفت. به‌بیان دیگر، در مرحله اثبات، بی‌گمان پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی اهمیت شایان دارد و یکی از مقدمه‌های ضروری صدور حکم به جبران آن است. آنچه مورد تردید قرار گرفته است و نظام‌های حقوقی درباره آن به توافق نرسیده‌اند، نقش پیش‌بینی ضرر در مرحله ثبوت است. منشأ تردید از آنجا است که بر خلاف مسئولیت قراردادی که ناشی از خواست و اراده دو طرف است و آنان می‌توانند بر قلمرو آن بیفزایند یا از آن بکاهند، مسئولیت قهری بر خلاف اراده شخص بر او تحمیل می‌شود و ضرورتی ندارد که محدود به امری شود که در قلمرو انتظار و پیش‌بینی او می‌گنجد (آقایی - نیا، ۱۳۹۱، ۳۳).

قانون مدنی و مسئولیت مدنی درباره اهمیت پیش‌بینی ضرر، حکمی روشن ندارد؛ ولی از احکام قانون مجازات اسلامی می‌توان تمایل به نظر اخیر را استنباط کرد (تقی‌زاده، ۱۴۰۰، ۱۸).

۵-۲. خسارت معنوی اشخاص حقوقی

این دو سازمان که به نوعی دولتی محسوب می‌شدند، طرفدار حمایت از مسائل اجتماعی، زیست محیطی و مسئولیت معنوی، برای انتخاب، حفظ و تحقق عملکرد شرکت‌ها در دراز مدت هستند. به بیان دیگر، دست‌آورد مسئولیت معنوی و اجتماعی شرکت‌ها، چگونگی ادغام منافع ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی است که نه تنها افزایش عملکرد مالی شرکت‌ها، بلکه سودهای اجتماعی را نیز باعث خواهد شد (کمپیل، ۲۰۰۳، ۱۳۳).

در انگلیس و در شرکت‌های دولتی که شاخصاً شخص حقوقی حقوق عمومی محسوب می‌شود، هیئت مدیره با وارد کردن مسئولیت معنوی و اجتماعی شرکت‌ها به مدیریت شرکت‌ها، ذی‌نفعان را در تصمیم‌گیری وارد می‌کند که این امر می‌تواند ذی‌نفعان را در مدیریت شرکت‌های دولتی درگیر کند. شاید از جمله شاخصه‌ها و منفعت‌های تصویب و به رسمیت شناختن مسئولیت معنوی و اجتماعی شرکت‌ها، این باشد که می‌تواند منافع سهام‌دار اکثریت و سایر ذی‌نفعان را متعادل کند تا از انحصار سود توسط دولت جلوگیری کند و به ایجاد ارزش شرکت‌ها در هماهنگی بلندمدت با سهام‌داران اقلیت و ذی‌نفعان، کمک کند. این در حالی است که در مطالعه کای و ویل، آن‌ها پیشنهاد کردند که دست‌یابی به مسئولیت معنوی و اجتماعی شرکت‌ها موجب افزایش اعتماد، قابلیت اطمینان و تعهد آن‌ها به سرمایه‌گذاران عمومی می‌شود و آن‌ها را ترغیب به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی می‌کند که دارای عملکرد و اعتبار اجتماعی خوبی باشند (کای، ۲۰۰۴، ۹۱۱).

از اهمیت بیش‌تری نیز برخوردار است، با سکوت مواجه شده باشد. وانگهی در بسیاری از مستندات قاعده‌لاضرر تنها خسارت معنوی مورد توجه بوده است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در بخش دوم پیش‌نویس مواد درباره مسئولیت بین‌المللی دولت، چند ماده را به موضوع جبران خسارت اختصاص داده است. این مواد علاوه بر شناسایی مسئولیت دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل در قبال اعمال متخلفانه آن‌ها، به روش‌های ممکن برای جبران خسارت اشاره کرده است. ماده ۳۱ پیش‌نویس مذکور، سه روش مختلف جبران خسارت را بر می‌شمارد. از جمله این روش‌ها اعاده وضع به حال سابق و پرداخت غرامت است که در راستای جبران خسارت معنوی نیز می‌توان از آن‌ها نام برد (حبیب‌زاده، ۱۳۹۳، ۹۳۸).

۵-۲-۲. خسارت معنوی اشخاص حقوق عمومی در حقوق انگلیس

انگلستان کشوری پیشگام در مسئولیت معنوی و اجتماعی شرکت‌ها شناخته می‌شود که مقرراتی را در این زمینه به صورت مؤثر پیاده‌سازی می‌کند؛ لذا به عنوان نمونه‌ای باتجربه در این زمینه در نظر گرفته می‌شود. شرکت‌ها، جوامع و دولت همه این مسئله را جدی می‌گیرند. طی دهه‌های گذشته، سازمان‌های مردم‌نهاد مختلفی از جمله حزب سبز و انجمن سلطنتی حفاظت از طبیعت، برای مقابله با امور مربوطه تأسیس شدند.

نمی‌توان تلاش محاکم را در راستای جبران آن به هر روش کتمان کرد (پیر هادی، ۱۳۹۴، ۴۳-۶۵).

۳-۵. آثار حاکم بر جبران خسارت معنوی اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران و انگلیس

این آثار شامل مواردی است که در ادامه بیان می‌شود.

۳-۵-۱. آثار مالی

آثار مالی شامل مواردی است که در ادامه بیان می‌شود.

۳-۵-۱-۱. اعاده وضع به حال سابق

مراد از اعاده وضع به حال سابق یا جبران عینی، تنها استقرار مجدد وضعیتی نیست که پیش از ایراد خسارت وجود داشته است؛ بلکه باید آن را به معنای استقرار وضعیتی دانست که در صورت تحقق نیافتن فعل زیان‌بار می‌توانست وجود داشته باشد. به هر حال، قدر متیقن از اعاده وضعیت، جبران خسارت به گونه‌ای است که موقعیت زیان‌دیده به وضعیت پیش از ایراد خسارت برگردد؛ به نحوی که زیان وارده محو و منتفی شود. در نتیجه این روش را جبران عینی یا امحای زیان نام نهاده‌اند.

اعاده وضع به حال سابق یا خسارت اعاده‌ای که در جبران خسارت‌های مالی و نیز معنوی که به صورت مالی انجام می‌شود قابل واکاوی است، یکی دیگر از مطالباتی که طرف شخص متضرر در نقض قرارداد یا ارتکاب رفتار زیان‌بار اشخاص حقوقی می‌تواند داشته باشد، حمایت از «منافع اعاده‌ای» است.

چنان‌که اشاره شد، خسارت معنوی می‌تواند برآیند مسئولیت مدنی باشد که شخص به هر دلیلی با فعل زیان‌بار خود به شخص دیگری اعمال می‌کند. بنابراین، نخست در این خصوص باید ماهیت مسئولیت مدنی را در این حوزه مورد توجه قرار دهیم. مسئولیت مدنی، یک خطای مدنی است که بیشتر علیه اشخاص (اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی نظیر شرکت‌ها) مطرح می‌شود و کمتر علیه دولت‌ها رخ می‌دهد. به‌طور خلاصه، حقوق مسئولیت مدنی عبارت است از، حقوق و منافع مردم که توسط قانون مورد حمایت واقع شده است. بنابراین، آنچه در این راستا می‌توان منتسب کرد که رفتار زیان‌بار اشخاص موجب در جبران خسارت اعم از مادی و معنوی شود و نیز دامنه آن اشخاص حقوقی حقوق عمومی (دولت، اصناف و غیره) را بگیرد، مسئولیت مدنی این اشخاص است؛ از جمله این مسئولیت مدنی، می‌تواند ناشی از بی‌احتیاطی باشد (الگوزولی، ۱۹۹۴).

خسارات معنوی در حوزه شخص حقوقی حقوق عمومی که مصداق تجلی آن دولت است، می‌تواند در شاکله صدمات ناشی از نحوه عزل، اخراج، تنبیه و... تجلی یابد. بنابراین اگر رفتار کارفرمای دولتی ناعادلانه به نظر برسد و باعث شود که کارمند دچار اضطراب روانی شود، ممکن است این خسارات معنوی اضافی سفارش شود. این یک واقعیت است که در نظام حقوقی انگلیس، به تبع کامن‌لا، خسارات معنوی نه یک استثناء است و نه یک قاعده خاص؛ بلکه در مواردی ویژه موضوعیت پیدا می‌کند. بنابراین احساس پریشانی و احساس صدمه ناشی از عزل، یا تخلفات اداری معمولاً قابل جبران نیست؛ اما

بنابراین، جبران از طریق اعاده وضع به حالت سابق یا جبران عینی، ناظر به صورت وجود عین است. اگر عین باقی باشد، عین که واجد خصوصیات شخصی است، به مالک رد می‌شود. با این حال، رد عین مال بیشتر صورتی مادی داشته است و خسارت مادی را در بر می‌گیرد؛ اما می‌توان در بازخورد با خسارت معنوی نیز موضوعیت یابد. چه بسا برگرداندن آنچه برای شخص حقوقی اهمیت داشته است، می‌تواند مؤثر بر خدشه‌دار کردن حیثیت کاری این شخص باشد. با این حال، فلسفه مسئولیت مدنی چیزی جز برطرف کردن آسیب و ضرر و اعاده وضع به حالت سابق نیست و دادن مثل هم، از این جهت بر قیمت مقدم است که به اعاده وضع به حالت سابق نزدیک‌تر است (فصیحی‌زاده، ۱۳۹۵، ۲۲۵-۲۴۶).

۵-۳-۱-۲. ترمیم

منظور از خسارت جبرانی یا ترمیمی، آن خسارت‌هایی است که زیان وارد شده بر زیان‌دیده را که ناشی از نقض قرارداد است جبران کند و به‌طور کلی، هدف خسارت جبرانی یا ترمیمی، جبران ضرر زیان‌دیده از نقض قرارداد است. بر همین مبنا، این نوع از خسارت، مهم‌ترین و متداول‌ترین شکل رأی به خسارت‌ها هستند، بدین ترتیب خسارت ترمیمی، قاعده کلی و مبنایی جبران خسارت، در حقوق انگلستان به‌شمار می‌رود که می‌توان آن را در خصوص اشخاص حقوقی نیز، مورد واکاوی قرار داد. با عنایت به آنچه بیان شد، یکی از نتایج ترمیمی بودن خسارت‌ها این است که مبنای مطالبه و دریافت خسارت وجود ضرر است؛ یعنی باید به خواهان ضرر رسیده باشد، صرف‌نظر از اینکه خوانده

طرفی که به‌عنوان زیان‌دیده این حمایت را مطالبه می‌کند، در صدد جبران زیان‌های وارده بر خود نیست؛ بلکه می‌خواهد نقض‌کننده قرارداد را، از منافی که بر او هزینه تحمیل کرده است، محروم کند. در خسارت استرداد یا اعاده‌ای، زیان‌زننده، هر سود را که به‌سبب نقض تعهدات به‌دست آورده است، مسترد می‌کند. مبنای خسارت اعاده‌ای، جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه متعهد ناقض است؛ نه زبانی که بالفعل به متعهدله وارد شده است (هادی، ۱۳۹۸، ۱۹۹-۲۳۰). این نوع خسارت، معمولاً در جایی درخواست می‌شود که شخص، قراردادی را که متضمن غرر است را منعقد کرده است که مبنای ارزیابی خسارت، زیان وارده به متعهدله نیست؛ بلکه سودی است که متعهد از نقض قرارداد به‌دست آورده است. به همین دلیل برخی از نویسندگان، خسارت اعاده‌ای را به‌عنوان ضابطه ارزیابی خسارت تلقی نمی‌کنند.

در خسارت‌های مادی، چنین شکل از جبران، در برخی از مصادیق آن، نه‌تنها ممکن است، بلکه ضروری است. اما درباره خسارت‌های معنوی، از جمله درد و رنج ناشی از حادثه یا هتک حیثیت به‌عنوان مثال تجاری، تقریباً می‌توان ادعا کرد که به‌طور کامل اعاده وضع به‌حال سابق امکان ندارد. شاید گفته شود که دریافت مبلغی پول جهت ترمیم اعضای بدن یا بازگشت منافع از بین رفته اعضا را که خود مصداقی از خسارت درد و رنج جسمی ناشی از صدمات جسمی است با کمی تسامح می‌توان از مصادیق اعاده وضعیت و جبران عینی به‌شمار آورد (شوشی‌نسب، ۱۳۹۰، ۱۰۱-۱۳۶).

معنوی. چه بسا در عدالت ترمیمی و رویکردهای ترمیمی در جبران خسارت، جنبه‌ها و مؤلفه‌های معنوی به مراتب بعد وسیع‌تری را در بر گیرد. (کای، ۲۰۰۴-۵۵).

۵-۳-۲. اهداف غیر مالی

این اهداف شامل مواردی است که در ادامه بیان می‌شود.

۵-۳-۲-۱. تنبیه

در حقوق انگلستان، معادل عبارت «خسارت تنبیهی»، عبارت *exemplary damage* است و در حقوق آمریکا از عبارت *punitive damage* استفاده می‌کنند (عبداللهی، ۱۳۸۲، ۱۱). علاوه بر دو اصطلاح فوق، در حقوق خارجی برای بیان مفهوم خسارت تنبیهی، از عبارات *vindictive damage* و *presumptive damage* هم استفاده شده است (بلک، ۲۰۰۱، ۹۳۱). اگرچه اصطلاحات فوق از نظر لغوی معنای شبیه به هم دارند؛ ولی از نظر اصطلاحی، مفهومی کاملاً منطبق دارند و در نظام‌های حقوقی مختلف، هر یک از این اصطلاحات به کار برده می‌شوند. در خصوص این نهاد حقوقی، آنچه بین حقوق دانان ایرانی رایج است، اصطلاح «خسارت تنبیهی» است که در «ماده واحده» قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» نیز از همین اصطلاح استفاده شده است. البته از اصطلاحات دیگری نیز نظیر «خسارت کیفری» (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ۱۳)، «خسارت عبرت‌آموز» (باقری، ۱۳۹۸، ۱۲۱)،

سودی تحصیل کرده باشد یا نکرده باشد. این قاعده استثنای بسیاری دارد. صرف‌نظر از خسارت‌هایی که اهدافی غیر از ترمیمی دارند (خسارت اسمی، تنبیهی و اعاده‌ای)، نویسندگان حقوقی انگلستان، موارد دیگری را نیز ذکر کرده‌اند که در آن‌ها مبنای پرداخت خسارت، ضرر واردشده خواهان نیست؛ مانند نقض قرارداد استخدام. در چنین حالتی ممکن است کارمند با استخدام در مؤسسه‌ای بهتر، در عمل زبانی نبیند و از سوی دیگر، کارفرمای وی نیز در عمل با این نقض سودی نکرده باشد. در چنین حالتی خسارتی که ممکن است دریافت شود، در زیر مجموعه هیچ یک از انواع گفته‌شده قرار نمی‌گیرد. برای ارزیابی خسارت ترمیمی در حقوق انگلستان، دو ضابطه خسارت متوقع و خسارت اتکایی بیان شده است. هدف از جبران زیان الزاماً اعاده به‌وضع سابق نیست؛ بلکه آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، پیدا کردن راهی برای تسکین آلام و تأمین خرسندی‌های معنوی و تشفی خاطر زیان‌دیده است. بنابراین شیوه‌های عدالت ترمیمی، حس فراگیر بودن و شناخت انسانیت را در همه افراد که به پیوند مشترک انسانی می‌رسند، تشویق می‌کند (گرین وود، ۲۰۰۱، ۳-۱). تجربه این پیوند می‌تواند یک تجربه معنوی باشد؛ زیرا افراد را تحت عاملی بزرگ‌تر از خودشان به هم وصل می‌کند. مطابق با سنت‌های بومی، عدالت ترمیمی، این آرمان را حفظ می‌کند که زمین باید برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز باشد. ارتکاب جرایم علیه دیگران، معادل زندگی خارج از تعادل است. بنابراین، علاوه بر شکستن قوانین آفریده‌شده توسط انسان، متخلف نیز قوانین طبیعت را نقض می‌کند. این تعادل می‌تواند هم در بعد مادی مؤثر باشد و هم در بعد

خسارت تنبیهی به ۸۹۱ برابر خسارت ترمیمی رسیده است. لازم به ذکر است، میزان خسارات تنبیهی در گذشته زیاد نبوده است و حتی گاهی اصلاً قانع‌کننده نبوده است؛ ولی کم‌کم میزان آن در کشورهای مختلف افزایش یافته است. برای ممانعت از تشتت آرا در این زمینه و جلوگیری از رشد بی‌رویه میزان خسارت تنبیهی، عده‌ای اعتقاد دارند که باید میزان خسارت تنبیهی را قانون مشخص کند.

۵-۳-۲. بازدارندگی

منظور از بازدارندگی خاص (فردی) نقشی است که مسئولیت مدنی می‌تواند در بازداشتن واردکننده زیان (محکوم‌علیه در دعوی مسئولیت مدنی) از ورود مجدد خسارت داشته باشد. این قسم از بازدارندگی در مقابل بازدارندگی عام قرار دارد، که به معنی پیش‌گیری در سطح جامعه و بازداشتن سایر افراد جامعه علاوه بر واردکننده زیان، از در پیش گرفتن رفتار زیان‌بار در آینده است که خود به بازدارندگی عام به مفهوم اقتصادی آن و بازدارندگی عام به معنی غیر اقتصادی تقسیم می‌شود (بیلز، ۲۰۱۲، ۲۹۹). با وجود این، برخی بودند که نقش بازدارندگی مدنی را نسبت به کیفری کم‌رنگ و در مواردی بی‌تأثیر می‌دانستند و ضمانت اجرای مدنی بازدارندگی را چنان مثر ثمر نمی‌دانستند. بنتام که هدف حقوق جزا و مسئولیت مدنی را یکی در نظر می‌گرفت، معتقد بود هم حقوق جزا و هم الزام به جبران خسارت در مسئولیت مدنی، در صدد فراهم کردن موجبات پیروی از قوانین هستند. آستین نیز، هرچند هدف مستقیم ضمانت اجرای مدنی و جبران

«خسارت ترمیمی» (عبداللہی، ۱۳۸۲، ۱۱) و اصطلاحات مشابه دیگر در متون فارسی استفاده شده است.

در تعریف خسارت تنبیهی بیان شده است: «درجه افزایش‌یافته‌ای از خسارت‌ها می‌باشد که در جایی که خواننده در ایراد زیان، رفتار توأم با بی‌احتیاطی، سوءنیت یا خدعه از خود بروز داده است، به نفع خواهان حکم داده می‌شود...». به نظر می‌رسد این تعریف ناقص است؛ زیرا همان‌گونه که در مباحث آینده خواهیم دید، خسارت تنبیهی جنبه جبرانی ندارد؛ یعنی غیر ترمیمی است. ولی آنچه از این تعریف بر می‌آید این است که با توجه به استفاده از عبارت *compensate*، خسارت تنبیهی جنبه ترمیمی دارد. ضمن اینکه بهتر بود از عبارت *punish* نیز استفاده نمی‌شد؛ زیرا خسارت تنبیهی با مجازات تفاوت دارد. اما در هر حال جنبه بازدارندگی خسارت تنبیهی از این تعریف قابل برداشت است. در حقوق داخلی نیز، تعاریفی از این اصطلاح صورت گرفته است؛ ب عنوان نمونه گفته شده: «خسارت تنبیهی در فرضی است که رفتار خواننده، علاوه بر ورود خسارت، نسبت به خواهان اهانت‌آمیز باشد یا بی‌اعتنایی او را نسبت به ایمنی دیگران نشان دهد یا همراه با تمهیدی برای خودداری از جبران خسارت باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ۱۳). بنابراین در تعریف «خسارت تنبیهی» می‌توان گفت: «نوعی خسارت مازاد بر خسارات ترمیمی است، که خواننده به خاطر جسارت و تجری که در رفتار زیان‌بار خود داشته است، به حکم دادگاه باید به خواهان بپردازد» (تقی‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۹). گاهی در آرای صادر از محاکم انگلیسی و آمریکایی، میزان

ماده ۲۱۹ قانون مدنی به صراحت می‌گوید: «عقودی که طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم‌مقام آن‌ها لازم‌الاتباع است؛ مگر اینکه به رضای طرفین اقاله، یا به علت قانونی فسخ شود». اگرچه مفاد ماده ۲۱۹ را حکم کلی اصل لزوم عقد دانسته‌اند و لزوم عقد را در مقابل جواز آن مطرح کرده‌اند، ولی می‌توان ادعا کرد لازم‌الاتباع بودن عقد، ناظر بر بحث لازم بودن یا جایز بودن عقود نیست؛ بلکه تصریح دارد بر لازم‌الاتباع بودن عقود منعقد، اعم از عقود لازم مثل بیع و اجاره و عقود جایز مثل وکالت، مادام که اقاله یا فسخ نشده باشند. عقود جایز هم مادام که فسخ نشده‌اند، لازم‌الاتباع و طرفین نسبت به مفاد آن، مسئول و متعهد هستند. بنابر نص صریح ماده ۲۱۹ قانون مزبور، باید گفت در هر عقدی متعهد مکلف به اجرای عین تعهد ناشی از آن عقد است. ماده ۳۸۳ همین قانون، اجبار ممتنع در تسلیم مبیع را به رسمیت می‌شناسد. ماده ۲۳۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه شرط در ضمن عقد، شرط فعل باشد، اثباتاً یا نفیاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است، باید آن را به جا آورد و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده، تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید». در حقوق ایران نمی‌توان بدون رضای طرف دیگر، عقدی را که لازم است، یک‌جانبه فسخ کرد. در واقع چنانچه متعهد به تعهدات قراردادی خود و به پیمان خود با طرف دیگر پایبند نباشد، اجرای اجباری عقد به‌عنوان ضمانت اجرای اصلی موجود در حقوق ایران، بر وی تحمیل خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ۹۹۳).

خسارت را به‌صورت ویژه در حوزه خسارت‌های معنوی در خصوص زیان‌دیده می‌داند؛ اما به نظر وی، هدف غیر مستقیم و بسیار مهم ضمانت اجرای مدنی همان هدف ضمانت اجرای جزایی، یعنی پیش‌گیری از جرائم است. در این زمینه جبران خسارت مالی تنها وسیله‌ای است که از طریق آن، حقوق به هدف خود که اعمال فشار است، می‌رسد و به خودی خود، مسئولیت مدنی را توجیه نمی‌کند و هدف غایی آن نیست (ویلیامز، ۱۹۵۱).

می‌توان بازدارندگی عام را نیز مورد توجه قرار داد. بنابراین صدور حکم به جبران خسارت، اعم از مادی و معنوی، علاوه بر اینکه واردکننده زیان را از در پیش گرفتن رفتار زیان‌بار و ضد اجتماعی در آینده باز می‌دارد، درس عبرتی است برای سایر اعضای جامعه؛ به‌ویژه آنان که به دلیل نوع فعالیت و موقعیت خاصی که دارند، بیشتر مستعد اضرار به غیر بوده است و میزان اقامه دعوا علیه آن‌ها بیشتر است. به بیان دیگر، مسئولیت مدنی می‌تواند اهرم فشاری بر آنان باشد که در جامعه قدرت سیاسی، اقتصادی و فکری را در دست دارند و به نوعی رفتارشان را تغییر و سامان دهد تا در قبال جامعه احساس مسئولیت بیشتری کنند.

۴-۵. خسارت و معیار آن در حقوق ایران و انگلیس

در این قسمت انواع خسارت و معیار آن در حقوق ایران و انگلیس مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴-۵-۱. خسارات ناشی از نقض قرارداد در حوزه اشخاص حقوقی

جبران خسارت شود. به‌ویژه اینکه در خسارت معنوی، نمی‌توان معیار و ضابطه متقن و ثابتی یافت که به‌واسطه آن چنین نگرشی را القا کنیم. از طرفی، در این نگرش بیان می‌شود؛ چنانچه نقض قرارداد برای وی صرفه اقتصادی بیشتری داشته باشد، به او حق نقض می‌دهد که می‌توان ادعا کرد هیچ جایگاه پذیرشی هم در حقوق ایران و هم در فقه ندارد.

در نظام حقوقی انگلیس هم، نظریه نقض کارآمد در نقض عهد جاری نبوده است و مورد پذیرش حقوق-دانان قرار نگرفته است و برای رد نظریه مزبور، به دلایلی از جمله، مبانی و مزایای اقتصادی، تمسک جسته‌اند که برای نظریه نقض کارآمد، قطعی و یقینی نیست؛ بلکه مشکوک و محل تردید است. هم‌چنین استعمال و کاربرد نظریه مزبور غیر عادی و خارج از عرف مقبول است (ادلمن، ۲۰۰۲، ۹۳۳). این در حالی است که در انگلیس نقض قرارداد و عهد، در حیطة اشخاص حقوقی، هنگامی که یک طرف قراردادی مطابق به اصطلاح معتبر نیست، ممکن است رفتار آن نقض شود. هنگامی که نقض قرارداد صورت می‌گیرد، طرف متعهدله حق دارد در رابطه با نقض، دعوی مطرح کند و جبران خسارت مطالبه کند. این رویکرد معمولاً به‌صورت مطالبه خسارت خواهد بود. بر اساس قوانین انگلیسی، نقض قرارداد به‌طور خودکار، حق طرف ناقض فسخ قرارداد را ندارد. با این حال، نقض انکار انعطاف‌پذیر، یک نقض قرارداد است که به طرف عدم تعهد اجازه می‌دهد که با تمام شدن قرارداد موافقت کند. در نظام حقوقی انگلیسی متداول‌ترین نمونه نقض انکار انعطاف‌پذیر بودن شرط است. اگرچه نقض اساسی ممکن است یک نقض انکارناپذیر باشد که به

برخی از نویسندگان، با طرح مسائلی در راستای بررسی این موضوع که اجرای عین تعهد، به خودی خود نمی‌تواند موضوعیت داشته باشد؛ بلکه به‌عنوان ابزار و وسیله‌ای برای تحقق انتظارات متعهدله از قرارداد منعقد است، در صدد برآمده‌اند تا با ریشه‌یابی اصل لزوم، محملی برای پذیرش نظریه «نقض کارآمد» در حقوق ایران پیدا کنند. ایشان چنین استدلال می‌کنند که چون یکی از مستندات اصل لزوم قراردادها بنای عقلا است، باید از آن تفسیری عقلانی به‌دست بدهیم. باید معلوم و مشخص کنیم که اصل لزوم اجرای عین توافقات صریح و ضمنی طرفین عقد را مورد حمایت قرار می‌دهد یا از انتظارات قراردادی که مورد توجه طرفین عقد بوده است، حمایت می‌کند (محمدی، ۱۳۹۵، ۲۸۳). در این راستا و با توجه به نقض قرارداد و تأثیر آن بر اشخاص حقوقی و مناسبات آن‌ها بر اشخاص حقیقی، باید اذعان کرد، تشخیص انتظارات قراردادی بسیار سخت و در مواردی غیر ممکن است، و دلیلی هم برای ثبات انتظارات مزبور از مرحله انعقاد تا مرحله اجرای عقد و قرارداد وجود ندارد. بنابراین، اگر یک شرکت به‌واسطه بحران، موجب شود که شخص حقیقی و یا حقوقی دیگری نتواند به آنچه وی عهد کرده بود برسد، در اینجا این نقض عهد، علاوه بر اینکه جبران خسارت مادی را در پی خواهد داشت، جبران خسارت معنوی نیز به-موجب اصل جبران تمامی خسارت‌ها قابل مطالبه است. بنابراین نظریه «نقض کارآمد» که در حوزه نقض عهد مورد استفاده قرار می‌گیرد، متعهد را بین انجام عین تعهد و دادن خسارت مخیر می‌کند. در این رویکرد ممکن است متعهدله که به‌دلیل نقض عهد دچار خسران شده است، نتواند به‌صورت کامل

این نکته مهم است که فقط طرفین قرارداد می‌توانند شرایط توافق‌نامه را اجرا کنند (بیگونی، ۲۰۱۷، ۳). به نظر می‌رسد ترتیب در نظر گرفته شده برای ایفا نشدن تعهد قراردادی سپس الزام به ایفای تعهد ترتیبی منطقی باشد هرچند ممکن است در عمل باعث اطاله دادرسی شود. عموماً الزام به ایفای تعهد می‌تواند خلاف حریت و آزادی افراد باشد. ممکن است همانند مثال مارالذکر ایفای تعهدی به- لحاظ منتهی متوقف بر ایفای تعهد دیگر باشد؛ زیرا کیفیت‌سنجی متوقف بر تحویل است.

۴-۲. خسارت ناشی از تقصیر غیر قراردادی یا عمل نامشروع در حوزه اشخاص حقوقی

بیان شد که یکی از شرایط برای قابل جبران بودن خسارت، آن است که بین نقض تعهد و خسارت وارده بر متعهدله، رابطه سببیت وجود داشته باشد. اگر رابطه سببیت بین خسارت وارده بر متعهدله و نقض قرارداد توسط متعهد وجود نداشته باشد، خسارت قابل مطالبه و قابل جبران نخواهد بود. آنچه باعث قطع رابطه سببیت میان نقض تعهد توسط متعهد و خسارت وارده می‌شود و در تألیفات حقوقی زیر عنوان اسباب خارجی نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. چهار عامل قوه قاهره، اقدام متعهدله، اقدام شخص ثالث و توافق طرفین قرارداد است. هر یک از این مصادیق می‌تواند در بازخورد با اشخاص حقوقی و حقیقی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

اگر ابتدا بخواهیم در خصوص قوه قاهره و بازخورد آن با تقصیر غیر قراردادی طرح بحث کنیم، باید

متعهدله اجازه می‌دهد تا قرارداد را فسخ و مطالبه خسارت کند، صرف‌نظر از اینکه چه عواقبی در پی خواهد داشت.

در حقوق انگلیس، این دیدگاه وجود دارد که الزام متعهد به اجرای قرارداد نوعی بردگی محدود است و با آزادی انسان و استقلال اراده او منافات دارد. در پاسخ باید گفت که الزام متعهد به اجرای تعهدات قراردادی‌اش، نه تنها بردگی نیست؛ بلکه محترم شمردن اراده انسان‌هاست. قرارداد یک رابطه طرفینی است و اراده متعهد فقط یک رکن از ارکان تشکیل‌دهنده قرارداد است و رکن دیگر آن اراده متعهدله است. اگر احترام به استقلال و اراده و آزادی متعهد قرارداد لازم و ضروری است، به طریق اولی، احترام به اراده طرف دیگر که متعهدله قرارداد است لازم و ضروری است. نظریه نقض کارآمد، به دلیل نگاه صرفاً اقتصادی که دارد، فقط اراده متعهد را مد نظر قرارداده است و هیچ اعتنایی به اراده و خواست متعهدله ندارد (بیگونی، ۲۰۱۷، ۳). با این اوصاف، در نظام حقوقی انگلیس، نقض پیش‌بینی در شرایطی است که یک طرف یا با کلمات یا رفتار، اظهار داشته باشد که تمام یا برخی از تعهدات خود را طبق قرارداد انجام نخواهد داد؛ به گونه‌ای که نتیجه عملکرد آن با الزامات قرارداد، تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. اگر تخلف پیش‌بینی شده نقض انکارناپذیر باشد، این امر برای اثبات این درخواست خواهان است (طرف عدم تخلف بلافاصله حق فسخ دارد بدون انتظار برای عملکرد واقعی یا نقض). اگر این رویه را درباره اشخاص حقوقی مورد مطالعه قرار دهیم، با توجه به استقلالی که شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در این نظام حقوقی دارند، یادآوری

اذعان کرد، در قوانین ایران، سخنی از قوه قاهره به میان نیامده است؛ ولی در مواد ۲۲۸ و ۲۲۱، احکامی وجود دارد که اوصاف سبب معاف‌کننده متعهد را معین می‌کند. ماده ۲۲۸ مقرر می‌کند: «متخلف از انجام تعهد، وقتی محکوم به تأدیة خسارت می‌شود، که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود». در ماده ۲۲۱ نیز، قانون‌گذار مقرر می‌کند: «اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطة اقتدار اوست، نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تأدیة خسارت نخواهد بود». برخلاف ظاهر این دو ماده باید گفت «خارجی بودن» و «غیر قابل دفع یا اجتناب بودن» هر کدام به تنهایی برای معاف شدن متعهد کافی نیست، بلکه باید قائل بر این بود که دو ماده فوق، دو بخش از یک حکم و مکمل یکدیگر است و از جمع آن دو، باید اوصاف «قوه قاهره» را استنباط کرد (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ۹۸۲). بنابراین حادثه‌ای قوه قاهره محسوب می‌شود که دارای سه وصف خارجی، غیر قابل دفع و غیر قابل پیش‌بینی بودن باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ۹۱۹). ویژگی دیگر قوه قاهره، یعنی غیر قابل پیش‌بینی بودن، در نظام حقوقی ایران، در مبحث خسارت حاصله از عدم اجرای تعهدات نیامده است. بنابراین، ممکن است نگرش‌هایی در این زمینه وجود داشته باشد؛ از جمله با توجه به اینکه چنین شرطی در قانون مدنی مقرر نشده است، و نباید شرطی به شرایط مقرر در قانون افزود، پس عامل قابلیت پیش‌بینی از شرایط قوه قاهره محسوب نمی‌شود.

در نهایت باید عنوان کرد درجه احتمال وقوع حادثه تا چه اندازه آن را قابل پیش‌بینی می‌کند؟ به بیان

دیگر، آیا لازم است که آن حادثه محال به نظر آید یا همین که نشانه‌هایی بر وقوع آن در دست نباشد کافی است؟ در پاسخ باید گفت، غیر قابل پیش‌بینی بودن، بدین معنی نیست که حادثه قبلاً هیچ‌گاه واقع نشده باشد. همه حوادثی که تازگی ندارند، به یک معنی قابل پیش‌بینی هستند. در واقع قابلیت پیش‌بینی کلی و مجرد در اینجا مورد نظر نیست. حادثه هنگامی غیر قابل پیش‌بینی است، که دلیل خاصی برای تصور پیش آمدنش وجود نداشته باشد. مثلاً زلزله در ناحیه‌ای که زلزله‌خیز نبوده است، حادثه‌ای غیر قابل پیش‌بینی است. به بیان دیگر، حادثه‌ای نامنتظر است که «وقوع آن غیرعادی، ناگهانی و نادر» باشد یا «در دید عرف هیچ اماره خاصی بر وقوع آن وجود نداشته باشد» (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ۹۱۳). اگرچه شرط غیر قابل پیش‌بینی بودن در حقوق اغلب کشورها مطرح شده است، در حقوق انگلیس، شرطی لازم دانسته نمی‌شود. در حقوق انگلیس، ممکن است یک حادثه قابل پیش‌بینی نیز موجب انقضای قرارداد و سقوط تعهد تلقی شود. هرچند قابل پیش‌بینی نبودن حادثه، در اثبات و تشخیص اینکه تغییر بنیادی در قرارداد برحسب اراده طرفین روی داده است و در نتیجه قرارداد نخستین منتفی شده است، مورد توجه قرار می‌گیرد. تریتل از مؤلفان معروف انگلیسی می‌گوید: صرف اینکه طرفین قرارداد یا یکی از آنان باید وقوع حادثه را پیش‌بینی کنند، مانع استناد به دکترین فراستریشن نیست. در دعاوی تاج‌گذاری، ابتلای ادوارد هفتم به بیماری به‌طور معمول قابل پیش‌بینی بوده است و با وجود این نظریه فراستریشن در آن دعاوی اجرا شده است. حتی بعضی از این هم فراتر رفتند و اعلام کردند که ممکن

است در موردی که حادثه دقیقاً پیش‌بینی شده است، این نظریه اجرا شود. قبول این نظریه دشوار است؛ زیرا در این مورد، متعهد خطرات ناشی از وقوع چنین حادثه‌ای را با علم و اطلاع پذیرفته است و دادگاه نباید این نکته را نادیده بگیرد. پس نظریه مرجع در این موارد، نبود امکان استناد به نظریه فراستریشن است (فلستد، ۲۰۰۰، ۱۸۱). با وجود این، در حقوق انگلیس، نقض عهد را می‌توان بر اساس مؤلفه جزئی بودن نبود تعهد نیز توجیه کرد که به واسطه آن، می‌توان موضوع را نقض عهد نشمرد.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد، ابتدا باید به این نکته توجه داشت که در نظام حقوقی ایران و انگلیس، هر دو امکان مطالبه خسارت معنوی از سوی اشخاص حقوقی به رسمیت شناخته شده است. بنابراین، در حوزه جبران خسارت معنوی باید اذعان کرد در گذشته، در حقوق رم و نظام قدیم کامن‌لا و به تبع آن در انگلیس، که متأثر از حقوق کامن‌لا است، تقصیر زیان‌دیده یا دخالت او در ورود زیان، موجب محرومیت او از مطالبه خسارت می‌شد. در نتیجه در حال حاضر، تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی جهان، تقصیر زیان‌دیده رافع مسئولیت عامل زیان نیست و موجب محرومیت کامل زیان‌دیده از دریافت خسارت نمی‌شود؛ بلکه برحسب مورد، موجب کاهش مسئولیت عامل زیان می‌شود. این دیدگاه در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران نیز قابل پذیرش است. با وجود این، آنچه در این مقاله مد نظر و چالش‌برانگیز بوده است، خسارات ناشی از نقض

قراردادی و خسارت ناشی از تقصیر غیر قراردادی یا عمل نامشروع در حوزه اشخاص حقوقی است. آنچه در نظام حقوقی ایران و انگلیس در پرتو آثار خسارت معنوی که می‌تواند جبران خسارت را در بعدی وسیع از اعاده وضع به حال سابق چه با وجه نقد و یا تمهیدات قانونی دیگر گرفته تا اعاده حیثیت و غیره القا کند، رویه‌هایی است که در قالب پرونده‌های قضایی موجود است. با این رویکرد، خسارت ناشی از نقض قرارداد، اگر موجب خسارت معنوی شود نیز، هم در نظام حقوقی ایران و هم نظام حقوقی انگلیس، قابل مطالبه و پی‌گیری است. همان‌گونه که خسارت ناشی از تقصیر غیر قراردادی نیز در حوزه اشخاص حقوقی، قابلیت مطالبه دارد، این تقصیر می‌تواند در حوزه موضوعات فورس‌ماژور نیز نمود یابد که در این صورت اصل جبران خسارت دولت (اشخاص حقوقی حقوق عمومی) نیز موضوعیت می‌یابد که باید عنوان کرد این اشخاص نیز، به مثابه اشخاص حقوقی حقوق خصوصی هم می‌توانند زیان‌دیده و یا زیان‌زننده تلقی شوند.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

فارسی

- آقای‌نیا، حسین، حقوق ورزش و مسئولیت‌های قانون آن، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
- بادینی، حسن، «هدف مسئولیت مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۳، ۱۳۸۳.
- باقری، احمد و همکاران، فرهنگ حقوقی مجد، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۸.
- پیرهادی، محمدرضا؛ نوعی، الیاس، «مسئولیت مدنی ناشی از بی‌احتیاطی در حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره ۳، شماره ۱۰، ۱۳۹۴.
- تقی‌زاده، ابراهیم؛ هاشمی، علی احمد، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام نور، ۱۴۰۰.
- تقی‌زاده، ابراهیم؛ خسروی فارسانی، علی؛ موسی - پور، میثم، «ماهیت و آثار خسارت تنبیهی در حقوق کامن‌لا با مطالعه تطبیقی»، دوره ۹، شماره ۹، ۱۳۹۱.
- حبیب‌زاده، توکل؛ نیک‌جاه، جواد، «معیارهای حاکم بر جبران خسارت معنوی در روابط بین دولت میزبان و سرمایه‌گذار خارجی با تأکید بر آرای داوری ایکسید»، مجله حقوقی بین‌الملل، شماره ۱۹، ۱۳۹۳.
- دهقانی، محمد؛ شعاریان ستاری، ابراهیم؛ تقی - زاده، ابراهیم؛ احمدی، سلطان، قواعد بازدارندگی حاکم بر مسئولیت قهری و قراردادی، سومین چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.
- همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران، مؤسسه پژوهشی مدیریت مدبر، ۱۳۹۶
- شوشی‌نسب، نفیسه، «نحوه ارزیابی خسارت‌های درد و رنج»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۹۳، شماره ۳۳، ۱۳۹۰.
- شهیدی مهدی، مجموعه مقالات، چاپ نهم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۸.
- عبداللهی، محسن، «خسارت تنبیهی در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۰، دوره ۲۱، ۱۳۸۳.
- فصیحی‌زاده، علیرضا؛ سعیدی، سمیه، «تحلیل انتقادی جایگاه دیه بر اساس ترتیب عقلانی روش‌های جبران خسارت»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۸، شماره ۹۱، ۱۳۹۵.
- فضل‌علی، محمدهادی، «خسارت دادرسی بررسی تحولات قوانین و رویه قضایی»، مجله دادرسی، شماره ۲۴، ۱۳۸۳.
- قاسمی حامد، عباس؛ نواریان، علیرضا، «نظریه نقض کارآمد قرارداد مطالعه تطبیقی و انتقادی در حقوق آمریکا»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۷، ۱۳۹۰.
- قاسمی، محسن، «نقش قابل پیش‌بینی بودن خسارت در مسئولیت مدنی قراردادی و قهری»، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، شماره‌های ۵، ۶، ۷، ۱۳۹۸.
- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.

and Accountability Journal, Volume 21, Issue 1, 2003.

- Davies v The United Kingdom, Times. 02-Aug-1001, 11001089, [1001] ECHR 281, 22 EHRR 110, [1001] ECHR 901, 2001.

- Elguzouli-Daf v. Comr. Of Police of the Metropolis and Another [2882] 2 All ER 922 / McBreaty v. Ministry of Defense and Others, 1994.

- Greenwood, J. E. Restorative justice and the dynamics of faith, The Clergy Journal, 11(9), 2001.

- Felstead, Ian, Williams, Mair, Browne, Oliver, Breach of contract in United Kingdom (England & Wales), Law Business Research. 2000.

- Edelman, James, Gain-Based Damages Contract, Tort, Equity and Intellectual Property, Hart Publishing, 2002.

- Bigoni, Maria, Bortolotti, Stefania, Parisi, Francesco, Porat, Ariel, Unbundling Efficient Breach: An Experiment, Volume 21, 2017.

- Williams, Glanville, The Aima of the Law of Tort, Current Legal Problems, edited by George W. Keeton and Georg Schwarzenberger, Volume 1, Stevens & Sons Limited, London. 1951.

- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.

- محمدی، سام؛ کدیور، حسام، «نقض کارآمد قرارداد در حقوق ایران»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۹۳، شماره ۲، ۱۳۹۵.

- مقصودی پاشاکی، رضا، مطالعه تطبیقی وجه التزام، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۸۸.

- هادی، سولماز، «جایگاه نقض تعهدات قراردادی انگلیس در حقوق ایران و انگلیس»، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، دوره ۱، شماره ۹، ۱۳۹۸.

انگلیسی

- Bayles, Michael D, Principles of Law: A Normative Analysis, D Reidel Publishing Company, 2012.

- Black, H. Campbell, black's law dictionary, fourth edition, London, west publication, 2001.

- Cai, Z. and Wheale, P, Creating Sustainable Corporate Value: A Case Study of Stakeholder Relationship Management in China, Business and Society Review, Volume 208, Issue 1, 2004.

- Calnan, Alan, Ending the punitive damage debate, DePaul L. Rev. NO. 101, 1995.

- Campbell, D. et al, Voluntary Social Reporting in Three FTSE Sectors: A Comment on Perception and Legitimacy, Accounting, Auditing